

الگوی نظام سیاسی در حکمت متعالیه

کتاب «الگوی نظام سیاسی در حکمت متعالیه» نوشته بهرام دلیر، عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر شد. در این کتاب به منابع و مبانی نظام سیاسی مطلوب حکمت متعالیه پرداخته شده و منابع معرفتی آن را در وحی، عقل، تجربه، شهود و فطرت پی گرفته و نظام سیاسی در حکمت متعالیه را مورد مطالعه قرار داده است.



محمد جواد انواری *

تحلیل روز

میان فلسفه و کلام، مثل دو مجموعه دیگر از مقالات حسن انصاری، سرشار است از مطالب آموختنی و نکته‌های بدیع و چشم‌اندازهایی برای بسط پژوهش در تاریخ تفکر اسلامی. رشته‌ای که مقالات متنوع بلند و کوتاه این مجموعه را به هم پیوند می‌دهد، توجه به مناسبات کلام و فلسفه در تمدن اسلامی است که تلقی رایج از آن تاپیش از تحقیقات و منابع جدید، کم و بیش در چند انگاره ناقص خلاصه می‌شده‌است. مهم‌ترین دوره قابل مطالعه در این مناسبات، دوره تثبیت و رسمیت یافتن علوم عقلی در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری است. مقاله فشرده «مدخلی بر مناسبات متکلمان و فیلسوفان در تمدن اسلامی» تصویری از گرایش‌های فکری این دوران به دست می‌دهد و به مهم‌ترین نمونه‌های تبادل افکار و ردیه‌نویسی متقابل متکلمان و فیلسوفان اشاره می‌کند. زمینه کلامی این حیات قلی، که ریشه‌هایش را باید در قرن دوم و نهضت ترجمه و انتقال علوم به جهان اسلام بازجست، با متکلمان معتزلی آغاز می‌شود که اطلاع دست اول از آرا و آثار آنان به لطف تحقیقات غربی تازه و متون نویافته وسعت چشمگیری پیدا کرده است. مقالات دیگری

هم از جمله «کلام معتزلی: از ری‌تایمن» و «تقابل معتزله و فلاسفه» به منزله طرح‌واره و گزارش پژوهش‌های تازه یا در دست‌انجامات و جریان‌های معتزلی با مشارکت مولف دانشمند کتاب است. این پژوهش‌ها علاوه بر روشن کردن ابعاد دوره مورد بحث، آگاهی ما را از مکتب‌های متاخر معتزله و زبیده، دادوستد‌های فکری آنها با فلاسفه، ادامه حیات اعتزال پس از قاضی

عبدالجبار، میراث بازمانده از طریقه‌زیدیان یمن ونیز حلقه‌های اتصال کلام امامیه با معتزله متحول کرده است. در زمینه این مناسبات، از سهم ابوالحسن بصری و خلف فکری او محمود ملاحمی خوارزمی آخرین نماینده برجسته کلام معتزلی با تأکید بیشتری سخن گفته می‌شود. چند مقاله کتاب در حول وحش این دو شخصیت کمترشناخته سده‌های پنجم و ششم است. از جمله مقاله «کتاب الاعمتمد در علم کلام معتزلی» که مقدمه‌ای بوده است بر کتاب تازه انتشاری از ملاحمی، بخش دیگری از مقالات کتاب، حوزه‌های امتداد کلام معتزلی در ایران را نشان می‌دهد. از این میان چند مقاله به اهمیت شخصیتی از خراسان قرن پنجم، حاکم جشمی، پرداخته که مولف کتاب کار گسترده‌ای را در تصحیح و تحقیق آثار او در دست دارد. تاریخچه مناسبات کلام و فلسفه با مقاله «خواجه طوسی میان کلام و فلسفه» به نقطه اوج آن در دوره فلسفی شدن علم کلام می‌رسد. این مقاله، به مناسبت معرفی تلخیص المحصل متکلم امامی نصیرالدین طوسی، بحث پرفایده‌ای است درباره منابع فکری و آثار فلسفی و کلامی فخر رازی در مقام منتقد ابن سینا و پیشگام تلفیق مباحث میان فلسفه و کلام و سپس نصیرالدین طوسی و کار او در آتش به فخر رازی و ادامه راهش در بسط دادن الهیات فلسفی. درباره نمایندگان اشعری این کلام فلسفی که از خواجه تأثیر گرفتند، مولف پیش‌تر در چند مقاله سخن گفته و انتشار آنها را به مجموعه دیگری موقوف کرده است.

دو مقاله «از فلسفه اسلامی و تاریخ آن چه می‌دانیم؟» و «تاملاتی درباره تاریخ‌نگاری فلسفه اسلامی در ایران» از حبت توجهی که به کاستی‌ها و لوازم تحقیق در زمینه تاریخ فلسفه می‌دهد، اهمیت دارد. یکی از این کاستی‌ها غفلت از تأثیر جریان‌های کلامی بر شکل‌گیری فلسفه اسلامی است.

همچنان که تاریخ‌نگاری فلسفه اسلامی بدون پرداختن به سرچشمه‌های اخذ و جذب علوم عقلی بیگانه قابل تصور نیست، جریان جذب و فهم افکار فلسفی را هم نباید بدون توجه به سهم متکلمان در نظر گرفت. معتزلیان متقدم با آنکه راه خود را از اهل فلسفه جدا می‌دانستند، از رهگذر مواجهه با

کارگاه آموزش ترجمه برگزار می‌شود

مرکز فرهنگی شهر کتاب دوره «آموزش ترجمه» را با تدریس علی صلجو در ۱۰ جلسه برگزار می‌کند. در هر جلسه ابتدا نکته‌ای درباره مسائل نظری ترجمه (زبان‌شناسی ترجمه) توضیح داده می‌شود و سپس متون به شیوه گروهی و مقایسه‌ای از انگلیسی به فارسی ترجمه و تحلیل می‌شود. این دوره از شنبه ۲۷ خرداد ساعت ۱۴ تا ۱۷ برگزار می‌شود.



درباره کتاب میان کلام و فلسفه

لوازم علمی استناد تاریخی

جریان‌های الحادی و ثنوی در آشنایی اولیه با مفاهیم و اصطلاحات فلسفی پیشگام بودند و بعد از آن هم با جریان ترجمه متون فلسفی یونانی دادوستدهایی داشتند. به همین دلیل و بر خلاف آنچه معمول بوده است، تاریخ‌نگاری فلسفه و شناخت اندیشه فیلسوفانی همچون کندی و فارابی باید ناظر به محیط و زبانی باشد که متکلمان در شکل دادن آن سهم بوده‌اند. اهمیت پرداختن به تأثیرات متقابل کلام و فلسفه بر مطالعه فلسفه ابن سینا هم صدق می‌کند، چنان که نقاط افتراق فلسفه ابن سینا از سنت ارسطویی و فلسفه ابن‌رشد را در همین سیاق می‌توان فهمید.

نقیصه دیگر در زمینه تاریخ فلسفه اسلامی کم‌توجهی به فیلسوفان خارج از مکتب‌های ابن سینا و سهروردی و ملاصدرا – و به تعبیر مولف، فیلسوفان پیرامونی- مانند فارابی و ابوالبرکات بغدادی به‌ویژه در ایران است و همچنین مغفول ماندن شخصیت‌های کم‌شناخته‌تر در ادوار فاصل میان فیلسوفان بزرگ که در این کتاب اشاره‌هایی به نقش آنان در انتقال افکار به فیلسوفان و متکلمان پس از خود شده است، از جمله شارحان و ناقدان مکتب ابن سینا.

یکی از فصل‌های مهم و مبسوط کتاب انصاری، «مکتب تفکیک: تحلیلی گفتمانی» است که یکی از بهترین تقریرها و نقدها بر مکتب معارف میرزا مهدی اصفهانی است. رابطه این بحث با دیگر مقالات تاریخی کتاب این است که مکتب تفکیک و محتوای فکری آن را به درستی، نه در خلا که در دنیا له جریان‌های دینی و عقلی ارزیابی می‌کند، به‌ویژه اینکه تعالیم مکتب تفکیک نه فقط مبتنی بر تفسیر و تعبیری خاص از متون دینی، بلکه متکی بر مجموعه‌ای از مدعیات تاریخی در نقد سنت‌های عقلی در تمدن اسلامی است. منظر و شیوه مولف در این بحث، حاصل

جمع کمبایی از احاطه و آشنایی نسبت به تاریخ فلسفه و علوم اسلامی، متون قدیم و معارف زندهٔ سنت دینی است که می‌توان گفت در چند نقد پیشین بر این مکتب سابقه نداشته است. این سخن البته از باب تأکید بر اهمیت و جدیت این فتح‌یاب است؛ فارغ از اینکه کسانی به‌ویژه از میان معتقدان و دلبستگان این مکتب معاصر چه پاسخ‌های احتمالی برای بخش‌هایی از آن داشته باشند. عرضه نوشته‌ها و درس‌نامه‌های این مکتب و حتی آثار غیر معارفی میرزا مهدی اصفهانی از جمله تریات اصول ایشان، می‌تواند به بررسی و داوری بهتر کمک کند.

کسی که تعلق خاطری به مطالعه تاریخ کلام و تاریخ فلسفه داشته باشد، با خواندن کتاب میان کلام و فلسفه احتمالاً تصور زنده‌تری از این موضوعات و دامنه و نتایج تحقیقات امروزی پیدا می‌کند. و نیز به بی اعتبار بودن کارهایی که در این زمینه‌ها بدون اطلاع از سابقه تحقیقی و روش انتقادی صورت می‌گیرد بیشتر پی می‌برد.

اگرچه مراتب ورود به مطالعه تاریخی با شناخت کلی و اجمالی آغاز می‌شود، این شناخت اجمالی همواره به پشتوانه‌ای از شناخت متقن جزئیات نیازمند است، همچنان که اطلاع تازه ما از آنچه به ظاهر جزئی و بیش از حد تخصصی یا حاشیه‌ای به نظر می‌رسد، می‌تواند شناخت کلی پیشین با مشهورات ناستجیده را تغییر دهد یا تصحیح کند. در مقالات این مجموعه و دو مجموعه دیگر از مؤلف، نمونه‌هایی از تعیین کننده بودن جزئیات تاریخی و دقیق متن‌پژوهانه را می‌توان دید. اما ارزش استفاده از تحقیقات منضبط در تاریخ تفکر اسلامی محدود به مطالعات تخصصی نیست. در دایره وسیع ترا اصحاب فکر و فرهنگ دینی کمتر کسی است که خود را از نوعی رجوع با استناد به بخشهایی از سنت – به معنی عام- بی‌نیاز بدارند. در عین حال، کمتر توجهی به لوازم علمی این استناد تاریخی و ضرورت آگاهی از نتایج تحقیقات می‌شود.

فقر نگاه تاریخی و نقادانه غیر از اینکه آفت بزرگی در حوزه تحقیق است، در حوزه اندیشه و نظر هم چه بسا رهنم و منشا تفسیر و تعبیرهای بی‌پایه از سنت است. * عضو هیات علمی بنیاد دایره المعارف اسلامی



یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از تازه‌های اندیشه، تاریخ و فلسفه

برونو لاتور

فیلسوف فرانسوی به ایران می‌آید

برونو لاتور، فیلسوف و انسان‌شناس فرانسوی به ایران سفر می‌کند و سلسله نشست و سخنرانی‌هایی در مراکز مختلف علمی خواهد داشت. اولین برنامه لاتور در ایران شنبه ۲۶ فروردین از ساعت ۱۵ تا ۱۸ در تالار علامه جعفری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز درباره موضوع «لاتور» و امکان جامعه‌شناسی بدیل خواهد بود.



در نقد کتاب «خواجه نظام‌الملک طوسی» جواد طباطبایی مطرح شد

لزوم دفاع از ایران در نظریه ایران‌شهری



سید جواد طباطبایی

مادو گونه متفکر داریم؛ افرادی که دستگاه فکری ندارند، مانند ژیرک. اما افرادی که دستگاه فکری دارند، مانند گادامر. طباطبایی در رابطه با پروژه‌اش آثار متفاوتی نوشته است و نقد از او فقط با نقد یک اثر ممکن نیست. اگر بخوایم این کتاب را نقد کنیم باید این کتاب را در رابطه با آثار دیگر ایشان نقدی کنیم؛ چرا که اینها به صورت زنجیره‌ای به هم پیوسته‌اند. مساله طباطبایی، ایران است؛ این چیزی است که او را از خیلی‌ها متفاوت می‌کند. تمام هدف تاملات او به تعبیر خود ایشان تامل فیلسوفانه درباره مساله‌ای به نام ایران است و برای این تامل دنبال تجهیزات نظری، روشی و مفهومی است. اگر تمام آثار ایشان را ببینید، می‌بینید در ارتباط با پروژه‌اش می‌خواهد ابزار بسازد. او متفکری است که هدفش تأسیس نظریه‌ای مدرن برای فهم ایران، آن هم به‌شکل تاریخی است. نه ایران معاصر؛ بلکه ایران در کل تاریخش. تمام اثرات طباطبایی حکایت از یک نوع خلأ، بن‌بست و کمبود دارد.

در نقد طباطبایی باید ادب را رعایت کنیم

سید جواد طباطبایی به شهادت کارها و آثارش یکی از افراد پسرکار و جدی، فارغ از داوری‌ها و قضاوت‌های دیگران است. در نقد و بررسی آثار او همواره باید به یاد داشته

باشیم که ادب گفت‌وگو را رعایت کنیم؛ چرا که گاهی مشاهده می‌کنیم خود ایشان در نقدا را و نظرات رقیبانش چندان مقید به ادب گفت‌وگو نیست. کسانی که از امتناع اندیشه‌فکر فلسفی وانحطاطان در دوره کنونی سخن می‌گویند این مباحث را مطرح می‌کنند گویی قرار است نظام اندیشه‌ای را ارائه کنند تا دیگران هم در این نظام فکر کنند. در حالی که این‌گونه نباید با موضوع تفکر برخورد کرد؛ چون با ژتاب و اقصیت اندیشه در جامعه ایران نبوده و برای ما و هیچ کسی هم مفید نیست.

آثار طباطبایی بر سایشی است

اولین مورد، نحوه نگارش این کتاب است که در مقایسه با کتاب ابن خلدون بسیار بهتر است. انتظار از این کتاب آن بود که یک روال منطقی داشته باشد. تقریباً می‌توان گفت هیچ یک از این انتظارات برای من برآورده نشده است. یعنی مبانی نظری بحث روشن نشده و در کتاب مفاهیم کلیدی وجود دارد که مشخص نشده است خواننده باید تلاش کند آنها را در لابه لای متن دریافت کند و نویسنده آنها را مشخص نکرده است. مثلاً مفهوم تداوم فرهنگی با مفهوم اندیشه سیاسی ایران‌شهری از مواردی است که در متن آمده است. یا مفهوم نیروی پایبنداری ایرانی با مفهوم فرزانی ایرانی که هیچ کدام مشخص نشده‌اند. سوال این است که این چه اثری است؛ آیا اثری محققانه است؟ یا اثری است که می‌خواهد بحث ایدئولوژیک بکند. از مفاهیم که بگذریم به مبانی نظری اثر می‌رسیم که متأسفانه هیچ بحثی از مبانی نظری نشده است. به نظر من آثار ایشان فرسایشی است؛ یعنی شما باید نیروی بسیاری صرف کنید تا بتوانید بفهمید با چه اثری مواجه هستید. لاقال این دو اثر نشان می‌دهد ایشان با روش تحقیق آشنا نیست. بنابراین ما ناچاریم جست‌وجوهای شخصی انجام بدهیم. اما آن چیزی که از مطالعه این دو اثر با فته‌ام این بود که محور اصلی این بحث تداوم تاریخ ایران و تداوم فرهنگی ایران است. البته اینها با هم متفاوتند و برای ایشان روشن نیست.

«جایگاه روایت در اندیشه

فلسفی» بررسی می‌شود

نشست تخصصی «جایگاه روایت در اندیشه فلسفی» در مجمع عالی حکمت اسلامی مشهد برگزار می‌شود. این نشست با حضور و سخنرانی محمد سهیلی درباره جایگاه روایت در اندیشه فلسفی پی‌ری می‌شود. این نشست امروز (چهارشنبه ۲۳ فروردین) از ساعت ۱۷:۳۰ در مجمع عالی حکمت اسلامی مشهد واقع در خیابان سناباد، نبش سناباد ۲۲ برگزار خواهد شد.



نقد و نظر

نشست بررسی «قرآن کریم با چهار ترجمه کهن» برگزار شد

بررسی سیر تطور ترجمه قرآن

یکشنبه ۲۰ فروردین سرای اهل قلم میزبان نشست معرفی و بررسی کتاب «قرآن کریم با چهار ترجمه کهن» بود. «قرآن کریم با چهار ترجمه کهن» برگرفته از تفسیر طبری، تفسیر سورابادی، تفسیر ابوالفتوح رازی و تفسیر کشف‌الاسرار با استخراج و تنظیم محمد شریفی تدوین شده است. این چهار ترجمه متفاوت

متعلق به قرن‌های چهارم و ششم هجری است. این کتاب را که «نشر نو» با همکاری نشر «آسیم» در اندازه رحلی منتشر کرده با حضور بهاء‌الدین خرمشاهی، محمدعلی مهدوی‌راد و محمد شریفی بررسی و معرفی شد. آنچه در ادامه خواهید خواند بخشی از صحبت‌های حاضران در این نشست به نقل از «اینا» است.

استوانه‌های اصلی ترجمه قرآن کریم

ترجمه، تفسیری فشرده و تفسیر ترجمه‌ای گسترده است. این کتاب که توانسته ترجمه‌ها را متفک از تفاسیر در یک قاب ارائه کند، می‌تواند در این حوزه تحولی ایجاد کند. درباره هر چهار ترجمه‌ای که در این اثر آمده، در کتاب «قرآن پژوهی» مقاله نوشته‌ام. درباره هر یک از این ترجمه‌ها حرف بسیار است. این چهار ترجمه که از دل تفاسیر استخراج شده‌اند، جزء استوانه‌های اصلی به‌شمار می‌آیند. تدوین‌کنندگان این کتاب، بسیار درست و قاعده‌مند به سراغ این ترجمه‌ها رفته‌اند. کتاب حاضر همچنین از نظر صفحه‌آرایی بسیار با ذوق و فوق‌العاده است. تفسیر طبری در قرن چهارم هجری، تفسیر سورابادی معروف به «تفسیر التفاسیر» متعلق به نیمه قرن پنجم هجری، تفسیر «کشف‌الاسرار» میدبی مربوط به قرن پنجم و تفسیر ابوالفتوح متعلق به قرن ششم هجری است.

ترجمه‌هایی بدون بار تفسیری و ایدئولوژیک

مترجم با همه مقدمات فهم متن، سعی می‌کند در کوتاه‌ترین واژه‌ها آن را بنویسد. این چهار ترجمه قاعداً به دلیل کهن بودن، می‌تواند از نظر ادبی، واژه‌شناسی و تطور واژگانی بسیار مورد توجه باشد. حسن ترجمه‌های طبری و کشف‌الاسرار و تا حدودی سورابادی و ابوالفتوح در این است که تقریباً بار تفسیری و ایدئولوژیکی پیدا نکرده‌اند. قرآن به واقع ترجمه‌پرداز نیست، همان‌گونه که آثار حافظ و سعدی نیستند. قرآن، وزن و آهنگ هم دارد که قابل ترجمه نیست. اثرگذاری پایه‌های ایدئولوژیک در کار ترجمه بسیار مهم است؛ مثلاً پایگاه‌های اهل الحدیثی میدبی در مقایسه با دیگران کاملاً مشهود است. مترجم‌ها گاه تحت‌تأثیر تفسیرهای مختلف هستند و پایگاه‌های اعتقادی و فرهنگی در ترجمه‌ها تأثیر گذاشته است. ترجمه‌ها در دل تفاسیر انجام می‌شد که از جهاتی دارای حسن و از جهاتی نیز دارای عیب است. واژه‌ها نیز در سیر تطور از جهات مختلف می‌توانند اثرپذیری داشته باشند.

ترجمه‌هایی برای استفاده تخصصی‌تر از قرآن

ترجمه‌های کهن با تفسیر همراه بودند. ایده تولید این اثر با نیاز شخصی به ذهن من آمد. پس از مدتی مطالعه و تکرار نیاز به استفاده از ترجمه‌های کهن، با بررسی‌هایی که از نظر ادبی و زبانی و همچنین دقت و صحت ترجمه انجام شد، چهار ترجمه موجود ملاک قرار گرفت. کنار هم قرار گرفتن چهار ترجمه متفاوت از قرآن این امکان را می‌دهد که بتوان تفاوت‌های اصولی ترجمه در برهه‌های مختلف را دید. این موضوع، سیر تطور قرآن را نشان می‌دهد. در این کار مقابله (لفظ به لفظ) ترجمه صورت گرفته است. به‌عنوان نمونه تفسیر طبری و تفسیر ابوالفتوح رازی، چاپ‌های بسیار پرغلطی بودند و به‌نظر من نیاز به تصحیح مجدد دارند و به این دلیل ترجمه‌ها لفظ به لفظ تطبیق داده شد. در جاهایی مترجم به نص قرآن بسنده نکرده و عباراتی را به‌عنوان توضیح آورده است که برای تفکیک این عبارات را با علامت‌های نگارشی مشخص کردیم. ترجمه‌های این کتاب قرآن به‌صورت شکیل و با صفحه‌آرایی مناسب در کنار هم قرار گرفته‌اند. فهرست‌های انتهایی کتاب نیز بسیار کارآمدند که کار زنده‌های محمود رامیار بوده است. فهم ترجمه‌ها با توجه به کهن بودن، برای مخاطب عام سخت بوده و غرض از تولید این اثر استفاده‌های تخصصی‌تر است. اگر شخصی اهل ادبیات و علوم قرآنی نباشد، مطالعه این اثر برایش توصیه نمی‌شود.